

می گیرند، نه هیچ دستگاه یا ووزارتخانه دیگر.

اما در آن سوی این منازعه نهادهی، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات ایستاده که با نگاهی متفاوت و فناوری محور، خوانشی بازتر و گسترده‌تر از وضعیت کنونی رمزارزها ارائه می‌دهد. این وزارتخانه معتقد است که نباید رمزارزها را صرفاً با عینک پولی و بانکی تحلیل کرد، چراکه این حوزه در مرز مشترک فناوری، نوآوری مالی، اقتصاد دیجیتال، حاکمیت داده و حقوق کاربران حرکت می‌کند و هر نوع تنظیم‌گری باید چندوجهی، انعطاف‌پذیر و مشارکتی باشد.

▼ موجی که یک مصاحبه ایجاد کرد

مصاحبه معاون سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه فابا وزارت ارتباطات با روزنامه هم‌میهن، اختلاف رویکردی دو نهاد مهم را بر سر تنظیم‌گری رمزارزها عیان‌تر کرد. گفت‌وگویی که نه‌تنها بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها یافت، بلکه بلافاصله به صدور بیانیه‌های متقابل و صریح از س‌سوی بانک مرکزی و وزارت ارتباطات منجر شد؛ بیانیه‌هایی که هرکدام تصویری متفاوت از آینده رمزارزها و جایگاه تنظیم‌گری در کشور ارائه می‌دهند.

سه‌روز پیش، بانک مرکزی در واکنشی صریح و نظام‌مند، با انتشار بیانیه‌ای مفصل از سه‌منظر حقوقی، ساختاری و راهبردی، تأکید کرد که تنها مرجع رسمی و قانونی برای تنظیم‌گری، مجوزدهی و نظارت بر حوزه رمزارزها در کشور است. از نگاه بانک مرکزی، اگر چه رمزارزها بر پایه فناوری‌های نوین شکل گرفته‌اند، اما در عمل، کارکردهایی چون مبادله ارزش، ابزار پرداخت و ذخیره پولی دارند که آن‌ها را ذیل صلاحیت ذاتی و قانونی این نهاد قرار می‌دهد. این موضع با استناد به قوانین مصوب مجلس و دستور ریاست‌جمهوری تشریح شده و تلاش‌های دیگر نهاده‌ها برای ایفای نقش مستقل در این حوزه، غیرقانونی و غیرموجه خوانده شده است.

مدیران ساختمان شیشه‌ای خیابان میراماد در ادامه بیانیه خود، نگاه صرفاً فناورانه به رمزارزها را «خطای راهبردی» توصیف کرده و تصریح شده که چندبعدی بودن این پدیده، به‌جای تقسیم مسئولیت میان نهادهای مختلف، نیازمند همکاری هماهنگ بین‌بخشی تحت هدایت نهادهی واحد است. در بخشی از بیانیه بانک مرکزی نسبت به پیامدهای پرخطر واگذاری نقش تنظیم‌گری به نهادهایی چون وزارت ارتباطات یا وزارت صمت هشدار داده شده و «پراکنده‌ساز»، «غیراصولی» و «تهدیدکننده ثبات مالی کشور» خوانده شده است. از نظر بانک مرکزی تنوع بازیگران نباید منجر به تشتت در تصمیم‌گیری شود، بلکه همه نهادهای تخصصی باید در قالبی واحد و با محوریت این بانک، هماهنگ عمل کنند.

همچنین این نهاد بر داشت‌هایی را که نقش بانک مرکزی را محدود به «پول دیجیتال ملی» می‌دانند، رد کرده و تأکید کرده است که وظیفه‌اش فراتر از ابزارهای خاص است و تنظیم‌گری تمام «کارکردهای پولی» از جمله رمزارزهای غیرمتمرکز، توکن‌ها، استیبل‌کوین‌ها و صرافی‌ها را نیز شامل می‌شود؛ چرا که این ابزارها با حوزه‌هایی مانند کنترل نقدینگی، حفظ ثبات مالی، مقابله با پول شویی و تأمین مالی تروریزم در پیوند مستقیم هستند.

مستولان بانک مرکزی در بیانیه خود گرچه از همکاری با سایر نهادهای تخصصی از جمله وزارت ارتباطات استقبال کرده‌اند و آن را ضروری می‌دانند، اما تأکیدشان بر این است که این همکاری باید در چارچوبی واحد و تحت هدایت بانک مرکزی صورت گیرد، نه با ایجاد نهادهای موازی یا ساختارهای مستقل تنظیم‌گری. به عبارت دیگر، بانک مرکزی ضمن حفظ موضع حاکمیتی خود، تلاش کرده تا از بروز یکپارچگی ظاهری و پراکندگی واقعی در تنظیم‌گری رمزارزها جلوگیری کند.

▼ راهی جز ساختار مشارکتی نیست

در سومین پرده از جدال نهادهی بر سر تنظیم‌گری رمزارزها، وزارت ارتباطات دو روز پیش با انتشار بیانیه‌ای صریح، توپ را به زمین بانک مرکزی انداخت و خواستار تفکیک میان «رمزپول» و «رمزارزهای عمومی» شد. تفکیکی که اگر عملی شود، نقشه راه آینده تنظیم‌گری این حوزه را به کلی دگرگون خواهد کرد.

در این بیانیه تأکید شده که قانون، حوزه مسئولیت بانک مرکزی را مشخصاً به «رمزپول»، نسخه دیجیتالی و رسمی پول ملی، محدود کرده، درحالی که رمزارزهای جهانی و غیرمتمرکز مانند بیت‌کوین و اتر‌بیوم، از اساس ماهیتی متفاوت دارند و مشمول همان قواعد نیستند. به اعتقاد وزارت ارتباطات، این ارزهای دیجیتال تنها پدیده‌ای پولی یا بانکی نیستند، بلکه موضوعی پیچیده و چندوجهی‌اند که باید با نگاهی فرابخشی و چندرشته‌ای مورد بررسی و سیاست‌گذاری قرار گیرند. وزارت ارتباطات در سومین بند از بیانیه خود، رویکرد مشارکتی و بین‌نهادهی را بهترین راه برای سیاست‌گذاری مؤثر در این عرصه دانسته و گفته که چنین مدلی نه‌تنها باعث تقویت زیست‌بوم اقتصاد دیجیتال می‌شود، بلکه جلوی شکل‌گیری بازارهای زیرزمینی و غیرشفاف را نیز می‌گیرد.

▼ سیاست‌گذاری واقعی در میدان است

در دل این اختلاف‌نظر، یک درس بزرگ نهفته است؛ درسی که می‌گوید نقد و گفت‌وگوی صریح، نشانه زنده‌بودن حکمرانی است، نه نشانه ضعف. آن‌ اینکه حالا موضوع رمزارزها به دغدغه مشترک دو نهاد کلیدی در سیاست‌گذاری دیجیتال کشور تبدیل شده، اتفاقی مهم و تقریباً بی‌سابقه برای زیست‌بوم نوپای رمزارزی نیست. این یعنی بالاخره رمزارزها از حاشیه به متن آمده‌اند و این خود یک گام روبه جلو است.

با این حال اگر کمی از هیاهو و هیجان فاصله بگیریم، متوجه می‌شویم که مسئله رمزارزها، موضوعی صرفاً پولی نیست، بلکه پدیده‌ای چندبُعدی با میزان قابل توجهی درهم‌تیدگی فناوری، اقتصاد، جامعه و داده است. بدین معنا که نگاه تک‌بعدی به موضوع رگولاتوری رمزارزها، نه فقط غیر دقیق و ناقص، بلکه خطرناک است.

در چنین شرایطی، تفسیر موسّعی که بانک مرکزی برای توسعه اختیارات خود می‌کند، پشتوانه حقوقی شفافی ندارد. چراکه قانون مصوب ۱۴۰۲ بانک مرکزی، فقط به رمزپول پرداخته، نه به رمزارزهای غیرمتمرکز نظیر بیت‌کوین یا اتر‌بیوم. حتی مجلس در جریان بررسی همین قانون، واژه «رمزارز» را از متن نهایی حذف کرد و شورای نگهبان هم بر ابهام آن مهر تأیید زد. بنابراین نمی‌توان کل این زیست‌بوم پیچیده را با استناد به آن قانون، به قلمرو انحصاری یک نهاد سپرد.

از سوی دیگر، تمرکز مطلق در بسیاری از حوزه‌ها مشکل را حل که نمی‌کند، هیچ، خودش مایه دردسر و فسادآور خواهد بود. برخی تجربه‌های بین‌المللی نیز موید همین نکته است: در اروپا، سنگاپور و دیگر کشورهایی که در این مسیر پیش‌رو هستند، تنظیم‌گری به‌جای انحصار، بر پایه «همکاری تخصصی چندنهادهی» بنا شده؛ مدلی که نتیجه‌اش نه آشفتگی، بلکه شفافیت، اعتماد عمومی و توسعه متوازن بوده است.

نکته دیگر که به‌نظر می‌رسد در رویکرد بانک مرکزی آگاهانه یا سهواً نادیده گرفته شده، نقش و جایگاه رمزارزها در خلق ارزش افزوده برای اقتصاد کشور است. اگر پیش‌فرض مان بر این باشد که رمزارزها بخش لاینفکی از توسعه اقتصاد دیجیتال کشور محسوب می‌شوند، در آن صورت توسعه زیرساخت‌های فنی، حکمرانی داده، تقویت نوآوری و محافظت از حریم خصوصی کاربران نیز به همان اندازه مهم‌اند که ضابطه‌گذاری و صدور دستورالعمل‌های بانکی اهمیت دارند. به عبارتی دقیق‌تر، نمی‌توان این اکوسیستم پیچیده را فقط با متر و معیار پولی تنظیم کرد؛ همان‌طور که نمی‌شود یک شهر را فقط با قوانین راهنمایی و رانندگی اداره کرد.

در شرایطی که پلتفرم‌های رمزارزی در ایران حالا به بلوغ اولیه‌ای رسیده‌اند، وقت آن است که رگولاتور انرژی خود را صرف کارهایی اساسی‌تر کند؛ نظارت بر ذخایر رمزارزی، بررسی نسبت‌های وثیقه‌گذاری و جلوگیری از فرایضای اعتماد عمومی. چرا که اگر روزی پلتفرمی نتوانند دارایی مردم را بازگردانند، دیگر این سؤال که «چه نهادهی مسئول نظارت بود؟» کمکی به حل بحران نخواهد کرد. بنابراین به نظر می‌رسد ساختار تنظیم‌گری چندنهادهی، با حضور بازیگران اصلی این میدان یعنی بانک مرکزی، وزارت اقتصاد، وزارت ارتباطات، سازمان بورس، قوه قضائیه و البته نمایندگان بخش خصوصی منطقه‌تری جلوه می‌کند. در این مدل، هر نهاد براساس تخصص خود وارد میدان می‌شود و تصمیم‌ها به‌صورت جمعی، شفاف و متکی بر واقعیت‌های زیست‌بوم انخاذ می‌شوند. یک نکته حیاتی را نباید از نظر دور داشت؛ سیاست‌گذاری اگر از دل زیست‌بوم برنیاید، روی کاغذ می‌ماند. تا زمانی که فعالان واقعی حوزه، از صرافی‌ها و پژوهشگران گرفته تا توسعه‌دهندگان و سرمایه‌گذاران، در فرآیند تصمیم‌گیری حضور نداشته باشند، تصمیم‌ها و سیاست‌ها یا اجرایی شوند یا اگر هم عملی شوند، افاقه‌ای نمی‌کنند. چراکه سیاست‌گذاری واقعی، پشت درهای بسته نوشته نمی‌شود؛ در میدان واقعی شکل می‌گیرد، جایی که فناوری و زندگی مردم روز به‌هم گره خورده‌اند.

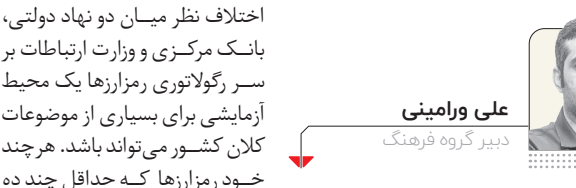
▼ دوروی سکه تعیین سر نوشت

واقعیت این است که رمزارزها از روز اول تا امروز، مسیر پرتنشی را طی کرده‌اند؛ روزگاری متهم به اخلاخ در نظام پولی کشور بودند، روزی دیگر به کلی ممنوع شدند و حالا با گذشت سال‌ها، همان‌ها به موضوع محخته سیاست‌گذاری‌های کلان بدل شده‌اند. در نهایت آنچه از این مناقشه برمی‌آید، نه صرفاً اختلافی حقوقی یا اداری، بلکه دو نگاه بنیادین متفاوت به آینده رمزارزها در ایران اس؛ نگاه انحصاری و امنیت‌محور بانک مرکزی در برابر رویکرد باز، فناورانه و مشارکتی وزارت ارتباطات. پرسش اصلی این است که سکان رگولاتوری کشور در این حوزه پیچیده، به کدام سو تمایل خواهد یافت؟ آیا ایران نیز همچون برخی کشورهای توسعه‌یافته به سمت تشکیل نهاد تنظیم‌گر چندبُعدی پیش خواهد رفت، یا همچنان نگاه انحصاری به حوزه پول دیجیتال حاکم باقی خواهد ماند؟ آنچه مسلم است، رمزارزها در ایران دیگر صرفاً موضوعی فنی یا مالی نیست، که عرصه قدرت‌نمایی دویا حتی نهاد سیاست‌گذار و متولی رگولاتوری است.

سه شنبه ۶ خرداد ۱۴۰۴
سال چهارم ـ شماره ۷۹۶
www.hammihanonline.ir

نگاه هم‌میهن

«تاکید» هیچ مقامی استدلال نیست



اختلاف نظر میان دو نهاد دولتی، بانک مرکزی و وزارت ارتباطات بر سر رگولاتوری رمزارزها یک محیط آزمایشی برای بسیاری از موضوعات کلان کشور می‌تواند باشد. هر چند خود رمزارزها که حداقل چند ده میلیون مردم را درگیر کرده است، خود یک مبحث بسیار کلان کشوری است. موضوع این است که بانک مرکزی می‌خواهد انحصار مطلق رگولاتوری رمراز را داشته باشد. نتیجه این انحصار تا به حال منجر به در رنج رفتن پلتفرم‌های رسمی و قانونی و به تبع آن کاربرهای آنها شده است. نتیجه دوم هم اقبال بیشتر مردم به بازارهای غیررسمی و سیاه است که هم ضررهای ملی در پی داشته و خواهد داشت و هم بسیاری از مردم را دچار خسران‌های بزرگ می‌کند. بانک مرکزی در حالی تأکید بر انحصار تنظیم‌گری در این حوزه را دارد که در وظیفه ذاتی خود یعنی حفظ ارزش پول ملی کارنامه مردودی داشته است. انتقدر که وزیر اقتصاد هم به همین دلیل صندلی وزارتش را از دست داد. در بلوای هر روز بی ارزش‌تر شدن پول ملی، بانک مرکزی فشار را روی پلتفرم‌های رمزارزی می‌آورد و آنها را یکی از عوامل کم‌ارزش شدن پول ملی می‌دانست. محدود کردن آنها هیچ از شعله خروشان‌ی که ارزش پول ملی در آن کاسته می‌شد کم نکرد. حتی در اکثر مواقع قیمت تتر از قیمت دلار کف بازار کمتر بود. با همه این تجربه‌های ناکام، بانک مرکزی قبول نمی‌کند که رمزارز این پدیده چندوجهی و بسیار پیچیده را با همراهی دیگر نهادهای متخصص تنظیم‌گری کند. در جواب استدلال‌هایی که خطر انحصار تنظیم‌گری بانک مرکزی را گوشزد می‌کنند این نهاد بیانیه‌ای منتشر کرد و در جایی از بیانیه آورده است: «در پایان تأکید بر این نکته ضروری است که رئیس جمهور محترم نیز در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۴۰۳ به رئیس کل بانک مرکزی، این نهاد را متولی انحصاری ساماندهی بازار رمزپول (رمزارز) و تنها مرجع مجوزدهی، تنظیم‌گری، نظارت و ابلاغ دستوراتالعمل‌های مورد نیاز این حوزه اعلام کرد.» این بخش از بیانیه جای توقف و تأمل بسیار دارد. اول که رئیس‌جمهور محترم در دوران انتخابات، دائماً صقراط‌وار بر ندانستن تأکید می‌کرد و استفاده از متخصصان امر در همه امور. این سخن تا به حال هم ادامه داشته است. همین چندی پیش از خاطره دوران رزبندیتی‌اش و استفاده از مشورت پزشک خارجی در کم شدن مرگ و میرهای ناشی از عمل گفت و بار دیگر رجوع به کارشناس، حتی اگر در ثریا هم باشد اشاره کرد. اگر این را الگوی فکری دکتر پزشکبان در نظر بگیریم، شخصی که حتی در کار تخصصی خودش هم استفاده از کاربلدها و تجربه‌های موفق را الگو قرار داده، باید پرسید ایشان برای تأکید بر انحصار بانک مرکزی در رگولاتوری رمزارز بر کدام تجربه موفق جهانی و در مشورت با کدام متخصص به این جمع‌بندی رسیده است؟ بعید می‌دانم رئیس‌جمهور در منطق بلاک‌چین همه امور. این سخن تا به حال هم ادامه داشته است. همین چندی پیش از خاطره دوران رزبندیتی‌اش و استفاده از مشورت پزشک خارجی در کم شدن مرگ و میرهای ناشی از عمل گفت و بار دیگر رجوع به کارشناس، حتی اگر در ثریا هم باشد اشاره کرد. اگر این را الگوی فکری دکتر پزشکبان در نظر بگیریم، شخصی که حتی در کار تخصصی خودش هم استفاده از کاربلدها و تجربه‌های موفق را الگو قرار داده، باید پرسید ایشان برای تأکید بر انحصار بانک مرکزی در رگولاتوری رمزارز بر کدام تجربه موفق جهانی و در مشورت با کدام متخصص به این جمع‌بندی رسیده است؟ بعید می‌دانم رئیس‌جمهور در منطق بلاک‌چین و رمزارز غور کرده باشد و شخصاً به این نتیجه رسیده باشد. پس همه آنان که درگیر رمزارز هستند و کم هم نیستند، توقع دارند رئیس‌جمهور توضیح دهد تأکیدش بر این امر بر مبنای کدام کار کارشناسی بوده و از چه مسیری به این دستور رسیده است؟

فارغ از مسیر این دستور مشخص که روشن شدنش بسیار مهم است، پرواضح است که رئیس‌جمهور و هر بنی‌بشر دیگری حتی اگر از مسیر استدلال و کار کارشناسی هم به نتیجه‌ای رسیده باشد آن نتیجه می‌تواند اشتباه باشد. اینکه بانک مرکزی در جوابیه‌اش از «تأکید» رئیس‌جمهور بر انحصار بانک مرکزی به عنوان حجت استفاده می‌کند دقیقاً نقطه مقابل اندیشه و شعارِیست که بخشی از جامعه را مجاب به رای دادن به مسعود پزشکبان کرد. بیانیه بانک مرکزی در حالی سخن پزشکبان را حجت می‌داند که خود رئیس‌جمهور با فروتنی می‌گوید من را تا چند ماه پیش تحویل نمی‌گرفتند، حالا چطور بعضی افراد سخن و تأکید ایشان را در همه امور از سیاست خارجی تا بلاکچین حجت می‌دانند؟ این نوع بیانیه‌ها اگر برای تقویت رابطه درون دولتی و یا ارباب‌بخشی دیگر از دولت به کار آید اما نتیجه آن دلزدگی جماعتیست که به درستی فکر می‌کنند تأکید هیچ رئیس‌جمهوری حجت و استدلال نیست و به امید بسط این اندیشه مسعود پزشکبان را انتخاب کردند. در نهایت امیدوارم آقای پزشکبان به نهادهی که اصلی‌ترین وظیفه‌اش حفظ ارزش پول ملی است و تأکید ایشان هم برایشان حجت است، تأکید کنند که عمده توان‌تان را در حفظ ارزش پول ملی مصروف کنید تا جدل‌های بی‌حاصل.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی - اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد	شناسه آگهی: ۱۹۳۵۷۲۸
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی	
آگهی موضوع ماده ۳۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی	
برابر رای شماره ۱۳۳۳/۵۵۵۵/۵۶۰۳۵۳۰۴ مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۱۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سیدبیرات اکبرپورسکه فرزند یحیی به شماره ملی ۰۶۸۱۷۵۸۳۴۴۷ در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۸/۹۸ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۱۱۵- فرعی از ۱۳۹- اصلی واقع در (برج) بخش ۲ حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد از محل مالکیت ثبتی آقای کریم شادکام محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۳/۰۶ تا تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱	
سعید قیققی - رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه دو بجنورد	

حوزه ثبت ملک شهری - آگهی فقدان سند مالکیت	م الف/۳۵۲
متقاضی مصطفی آدرس: شهر یر میدان صفاییه سیخی خ معدن خ قراقی پ ۱۸ با تسلیم دو برگ استشهاد مصدق به شماره ۱۹۷۵۱۱ مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۱۶ دفترخانه ۵۶ شری به شرح وارده ۴۹۲/۴۰۴۹۲ مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۱۹ اعلام نموده که شش‌دانگ یک قطعه آپارتمان مسکونی نوع ملک طبق با کاربری مسکونی به پلاک ثبتی ۳۷۲۶۱ فرعی از ۱۳۳۳ اصلی، مفروز و مجزا شده از ۱۲۵۳۹ فرعی از اصلی مذکور قطعه ا در طبقه ا واقع در بخش ۱۲ ناحیه ۵ حوزه ثبت ملک شهری استان تهران به مساحت ۳۸/۱۸ متر مربع به انضمام پارکینگ قطعه ۳ به مساحت ۰۸/۱۰ مترمربع به نام مصطف محمدی فرزند رسول شماره شناسنامه ۷۹۶ تاریخ تولد ۵۴/۰۵/۱۳۳۵ صادره از زنجان دارای شماره ملی ۴۲۸۹۴۰۴۲۱ با جز سهم ۶ از کل سهم ۶ به عنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۳۲۹۷۴ تاریخ ۵۴/۰۶/۱۳۹۶ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۴۶ شهر شهر یر استان تهران، ثبت گردیده است. محدودیت: رهنی ۱۲۶۹۵ مورخ ۱۳۹۰/۰۶/۲۷ دفتر ۲ ری و رهنی شماره ۳۲۹۷۸ و شماره سیستمی ۵۴۰۴۵۵۰۵۴۰۴۵۵۰۴۵ مورخ ۵۴/۰۶/۱۳۹۶ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۵۶ شهر شهر یر استان تهران که به نفع بانک مسکن (شعبه یل سیمان) به مبلغ ۳۵۷،۳۷۲،۰۰۰ ریال به مدت ۹۶ ماه ثبت شده است. به علت جابجایی منزل مفقود گردیده تقاضای صدور المثنی سند مالکیت نموده است. لذا طبق ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی می شود تا هرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای کرده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به این اداره مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد. گنرندگان رونوشت: ا جهت اطلاع به ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) ۲- اداره کل تحقیق و استرداد بنیاد مستضعفان)	
سیدمهدی لامعی - رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهری. از طرف سهراب عزیزنژاد	

رگولاتوری

کلاف سردرگم

تنظیم‌گری رمزارزها در ایران به نگاهی نو نیاز دارد



امیرحسین راد

مدیرعامل نوبیتکس

حدود هشت‌سال پیش، صنعت رمزارز ایران در شرایطی شکل گرفت که شهروندان ایرانی، نیازمند زیرساختی بومی، امن و دسترس‌پذیر بودند. از همان آغاز نیز، بازیگران و مخاطبان این صنعت، یک مطالبه مشترک داشتند و آن، لزوم قانون‌گذاری شفاف برای فعالیت این صنعت بود؛ قانون‌گذاری مشخص، منصفانه و منطبق بر واقعیت‌های بومی و جهانی که موجبات پایداری و توسعه صنعت را فراهم کند. آنچه در سال‌های اخیر حاصل شد، نه قانون‌گذاری شفاف بلکه اعمال محدودیت‌های مقطعی علیه بازیگران صنعت بود؛ اعمال این محدودیت‌ها ناشی از فقدان فهم مشترک در باب ماهیت رمزارزها بوده است. به‌طور مثال، تاکنون بارها با تشدید نوسانات ارزی، با این فرض غلط که رمزارز همان ارز است و بازار رمزارزها تاثیر مستقیم بر نرخ ارز دارد، شاهد اعمال محدودیت بر زیرساخت‌های بانکی پلتفرم‌های تبادل -مانند محدودیت واریز یا برداشت یا بستن حساب‌ها - بوده ایم.

حتی ورود رسمی بانک مرکزی به حوزه قانون‌گذاری رمزارزها در سال گذشته نیز شاهدهی بود بر فقدان فهم مشترک در باب ماهیت رمزارزها. استفاده از واژه رمزپول در آخرین نسخه از قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی و تفسیر موسعی که بعداً به آن افزوده شد، در میان مدت مبدل به ابزاری برای تحمیل تعهدات خاص بر بازیگران این صنعت بود. بانک‌های مرکزی در تمام دنیا رگولاتور حوزه پولی -بانکی هستند و هرکجا صحبت از ابزار پرداخت باشد، ورود می‌کنند. اما بانک مرکزی در ایران تلاش کرد، با تعمیم «رمزپول» به تمامی دارایی‌های دیجیتال اعم از توکن‌های معاملاتی و توکن‌های با پشتوانه و بی‌پشتوانه، به رگولاتوری انواعی از داراییی ورود کند که حیطه تخصصی او نیست.

دارایی‌های دیجیتال از انواع متنوعی تشکیل شده‌اند؛ در برخی سند مالکیت‌اند، برخی اوراق بهادار و برخی نیز ابزار پرداخت. صرف یکسان بودن زیرساخت فناوری این‌ها نباید موجب شود که ماهیت یکسانی برایشان تصور کنیم. اما فارغ از تقابلی و خلاّ قانونی موجود، ساختار فعلی بانک مرکزی نیز به‌عنوان رگولاتور پولی -بانکی کشور، ظرفیت توسعه این صنعت پویا را ندارد. رویکرد محتاطانه و ریسک‌گریز این نهاد، در کنار تعارض منافع درونی آن با نقش تنظیم‌گر- از جمله حضور شرکت‌هایی نظیر «ملی انفورماتیک» که هم نقش سیاست‌گذار دارند، هم در بازار بازیگر محسوب می‌شوند - آینده این صنعت را با تهدید جدی مواجه خواهد کرد.

تنظیم‌گری اصولی برای حفظ منافع ملی و توسعه اقتصادی کشور ضروری است و کسی نقش مهم بانک مرکزی در ثبات پولی را نادیده نمی‌گیرد. با این حال مدل مطلوب، همان نسخه‌ای است که بارها از سوی کارشناسان پیشنهاد شده و همچنان مغفول مانده است؛ تدوین قانونی جامع برای تعریف انواع رمزارزها و به‌رسمیت‌شناختن خدمات مرتبط مانند مشاوره، سب‌گردانی، نگهداری و فعالیت سرویس‌دهندگان دارایی‌های دیجیتال (VASP)؛ قانونی که در آن حقوق کاربران، کسب‌وکارها و دغدغه‌های حاکمیتی تا جای ممکن پوشش داده شود.

بنابر تجربه جهانی (به‌طور مثال نگاه کنید به تجربه VARA در امارات یا تجربیات مشابه در ترکیه و پاکستان)، تدوین چنین قانونی تنها با ایجاد یک نهاد مستقل و فرانهادی میسر می‌شود؛ نهادهی زیر نظر وزارت اقتصاد که از مشارکت ظرفیت‌های بانک مرکزی، سازمان بورس و اوراق بهادار و دیگر نهادهای ذی‌صلاح برخوردار باشد. در این صورت است که می‌توان انتظار داشت این نهاد نه مهار نوآوری، بلکه هدایت هوشمندانه آن در جهت بهره‌مندی حداکثری از فرصت‌های باقیمانده برای اقتصاد دیجیتال کشورمان را هدف قرار دهد. امید آن که تصمیم‌سازان این‌بار فرصت تاریخی پی‌ریزی ساختاری منصفانه، شفاف و توسعه‌محور را از دست ندهند.